

لَعْنُ هَاي نَامَقَدَّس

تبيين قوانين و محدوديت هاي تبزي

مهدى مسائلي

فهرست

| | |
|----|---|
| ۷ | مُقَدِّمَه |
| ۱۳ | تَبْرِی: چِیَسْتِی و چِرايِی |
| ۱۵ | اَهِمِیَّتِ بَحْث |
| ۱۶ | تَعْرِیْفِ تَبْرِی |
| ۱۹ | مِراَحِلِ تَبْرِی |
| ۲۱ | مِراَحِلَهٗ اَوَّلِ تَبْرِی: اَلْبُغْضُ فِی اِللهٗ |
| ۲۵ | بُغْضِ بَرِاساسِ مَعْرِفَت |
| ۲۹ | مِراَحِلَهٗ دَوَمِ تَبْرِی: تَبْرِی دَرِ كِغْفَتَار |
| ۳۱ | ۱. نَهی اَزِ اَمْرِشِ خِواهِی بَرایِ كَافِرانِ و مِنافِقانِ |
| ۳۵ | ۲. نَهی اَزِ تَكْرِیْمِ كِفاَر و دِشْمَنانِ دِین |
| ۳۶ | ۳. اِعْلامِ بَرائَتِ اَزِ دِشْمَنانِ خِدا |
| ۳۷ | تَبْرِی دَرِ كِغْفَتَار، اِظْهَارِ تَبْرِی اسْت |
| ۴۳ | حُدُودِ و قِواَنینِ بَرائَتِ دَرِ كِغْفَتَار |
| ۴۳ | ۱. پَرهیزِ اَزِ فُحْشِ و دُشْنامِ و تِوهینِ |
| ۵۵ | دِشْنامِ دَرِ قُرْآنِ و رِوايَاتِ |
| ۶۴ | بَررِسیِ بَعْضیِ اَزِ آیاتِ و رِوايَاتِ |
| ۷۱ | بَررِسیِ مِسْئَلَهٗ لَعْنِ |
| ۷۸ | نَهیِ خِاصِ اَهلِ بَیتِ عَلَیْهِمُ السَّلَامُ اَزِ تِوهینِ و لَعْنِ |
| ۸۵ | لَعْنِ هَایِ قُرْآنِی |

- ۸۶.....لمن های موجود در روایات
- ۹۰.....سخنی درباره زیارت عاشورا
- ۹۵.....شعار مرگ بر آمریکا و اسرائیل
- ۹۷.....منطق علمی تشیع و توطئه دشمنان
- ۱۰۴.....از پیشوایان خویش پیروی کنید
- ۱۱۰.....مداوا و تقیه زمان و مکان ندارد
- ۱۱۳.....از چشم انداختن دین.....
- ۱۲۱.....انصاف در تعامل با اهل سنت
- ۱۲۲.....خدمت به افراط گرایان اهل سنت
- ۱۲۳.....۲. پرهیز از تهمت و افترا
- ۱۳۳.....نسبت حرام زادگی به مخالفان عقیدتی
- ۱۴۵.....مرحله سوم تبزی: تبزی در عمل
- ۱۴۸.....ابراهیم علیه السلام اسوه تبزی کنندگان
- ۱۵۱.....چند گزارش و یک نکته
- ۱۵۱.....محقق کرکی و لمن علی خلفا
- ۱۵۲.....تیزهوشی میرزای شیرازی
- ۱۵۵.....این کتاب ها هرچه بیش نشود، بهتر است
- ۱۵۸.....انتشار کتاب های تفرقه انگیز در قم
- ۱۵۹.....چند توصیه از مرحوم آیت الله بهجت
- ۱۶۱.....کتابنامه

فاصله گرفتن از دشمنان دین و تَبَرُّی از آن‌ها، یکی از آموزه‌های تأکید شده در دین مُبین اسلام است که به خصوص در نزد شیعیان، ارزش و جایگاهی ویژه دارد. در مکتب تشیع، تَبَرُّی از دشمنان دین در کنار تَوَلُّی با دوستان خدا، از ارکان دین و از نشانه‌های ایمان واقعی به حساب می‌آید. همین خصوصیت باعث شده است که شیعیان در هر زمان و هر موقعیتی، روحیهٔ ظلم‌ستیزی و طاغوت‌گریزی داشته باشند.

البته این نکته را باید بیفزاییم که تَبَرُّی از دشمنان و تَوَلُّی با دوستان، نه یک حکم مولوی شرعی، بلکه ارشادی به حکم عقل است که انسان را در مراحل گوناگون اعتقاد و گفتار و رفتار، به انزجار و کناره‌گیری از دشمنان و نیز محبت و تمایل به دوستان ملزم می‌کند. از همین رو در مکتب تشیع از ما خواسته‌اند تا ضمن اعلام برائت از سلوک اهل باطل و دشمنان ولایتِ الهی در گفتار، در قلب و باطن نیز از آن‌ها بیزار باشیم. افزون بر این، تشیع حقیقی هنگامی آشکار می‌شود که شیعه از اعمالی که اهل بیت علیهم‌السلام بدان رضایت ندارند نیز کناره بگیرد و رفتاری صالحانه و مؤمنانه داشته باشد. در غیر این صورت، تَبَرُّی از دشمنان، ادعایی بیش نخواهد بود و به تعبیر ملک‌الشعراى بهار:

خادم شمر کنونی گشته، وانگه ناله‌ها / با دو صد لَعْنَت، ز دست شمر ملعون می‌کنند
بر یزید زنده می‌گویند هر دم صد مَجِیز / پس شماتت بر یزید مردهٔ دون می‌کنند
پیش ایشان صد عبیدالله سرپا، وین گروه / ناله از دست عبیدالله مدفون می‌کنند

با این همه، متأسفانه عده‌ای از شیعیان با تفسیری خاص از تبزی، نه تنها آن را به محدوده گفتار منحصر ساخته‌اند، بلکه آن را معادل دشنام و لعن و توهین به مقدسات اهل سنت قرار داده‌اند. جالب اینجاست که این عده حاضر نیستند از طاغوت‌های جهانی عصر کنونی، همچون صهیونیست بین‌الملل، حتی در گفتار نیز اعلام برائت کنند و این امر را رفتاری سیاسی و غیردینی می‌دانند.

متأسفانه گسترش این‌گونه نگاه‌ها به تبزی باعث شده است تا این واژه در فرهنگ عامه امروز با واژگانی همچون فُحش، لعن، توهین و... برابری کند و شخص تبزی‌کننده نیز فردی فحاش و گزافه‌گو شناخته شود. آذین‌بندی اعتقادات عوام با این اعمال ناشایست به‌عنوان تبزی نیز باعث شده است تا هرگونه مخالفت صریح با این رفتارهای غیراخلاقی، مخالفت با اهل بیت (علیهم‌السلام) به شمار آید و موجب برخورد شدید عوام متعصب با آن شود.

البته در این میان بعضی دیگر نیز اگرچه دشنام و توهین به مقدسات دیگران را عملی خلاف و نادرست می‌دانند، حساب لعن را از دشنام و توهین جدا دانسته و بیان آن را در هر صورتی جایز می‌دانند. این درحالی است که لعن به مقدسات اهل سنت، به بزرگ‌ترین مانع در جهت انسجام مسلمانان تبدیل شده است و هرگونه تلاش و حرکتی را برای تقریب مذاهب اسلامی با مشکل روبه‌رو می‌سازد. امروز در دنیای اهل سنت، به جز بخشی از نأگاهان افراطی و ابزار امپریالیسم، همه از گفت‌وگوهای سازنده برای وحدت جهان اسلام استقبال می‌کنند؛ اما در مذهب اهل سنت، آن‌ها نیز از این ناراحت هستند که به خلفای بعد از پیامبر اهانت و لعن می‌شود. از همین رو لازم است بدانیم:

حقیقت تبزی چیست؟

آیا برای انجام وظیفه تبزی لازم است حتماً به مقدسات اهل سنت توهین و لعن شود؟
 آیا واقعاً این تفکر، آن‌گونه که مطرح می‌شود، از ضروریات و لوازم مکتب تشیع است یا چنین نیست و بدون اهانت و لعن به مقدسات اهل سنت نیز می‌توان شیعه بود؟

تفاوت لعن با دشنام چیست؟

آیا لعن در هر جا و به هر صورتی جایز است؟

در این نوشتار سعی می‌کنیم پاسخی علمی و به دور از تعصب به این سؤالات بدهیم و همچنین به بعضی از شبهاتی که در راستای ایجاد تفرقه میان مسلمانان، توسط نأگاهان یا مغرضان مطرح شده است نیز پاسخ بگوییم. هرچه هست، شاید بحث از لعن با رویکرد

۱۱ ■

و صراحت این نوشتار، برای اولین بار باشد که در کتابی مستقل مطرح می‌شود و عنوان آن کتاب را به خود اختصاص می‌دهد. از همین روزه تمامی صاحب نظران می‌خواهیم تا ما را از نقدهای خویش محروم نسازند.

مهدی مسائلی

پاییز ۱۳۹۲